
شاخص های قرآنی رشد یافتگی در مقطع نوجوانی

سید محمد افتخاری^۱ (نویسنده مسئول)

محمد کاویانی^۲

چکیده

کشور ایران از نظر ظرفیت های طبیعی و انسانی کم نظیر است. مهمترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. انبوهی از نوجوانان به عنوان نیروی مستعد و کارآمد و آینده ساز در این کشور وجود دارند که دشمن با ابزارهای رسانه ای در صدد تهاجم روزافزون به دل های پاک آنان است. از طرفی تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان های بی جبرانی را به کشور و ملت ما وارد می آورد. (بیانیه گام دوم)

در این شرایط، تدوین شاخصه های سبک زندگی اسلامی در ابعاد و مراحل مختلف چرخه خانواده، از ضروریات راهبردی انکار ناپذیر می باشد. این پژوهش، در صدد استخراج و تدوین شاخص های رشد یافتگی در مقطع نوجوانی به منظور تسهیل و تسریع بلوغ رشدی نوجوان می باشد. در این پژوهش از روش تحلیل کیفی گفتمان در متن قرآن کریم استفاده شده است و به منظور ارتقای دقت و افزایش توان دسته بندی و جمع بندی از نرم افزار

۱. دانشجوی دکتری قرآن و روانشناسی؛ جامعه المصطفی العالمیه؛ smeqsme@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی گروه روانشناسی؛ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ m_kavyani@rihu.ac.ir

تحلیلی کیفی اطلس تی آی، جهت کدگذاری اولیه و ثانویه، شبکه سازی و استخراج شاخص ها بهره گرفته شده است. در نهایت یازده شاخص کلی رشد، از آیات قرآن کریم استخراج گردید.

کلمات کلیدی: سبک زندگی اسلامی، رشد نوجوان، رشد متعالی، خانواده، بلوغ

مقدمه

قرآن کریم و روایات اسلامی به دوره ی حساس نوجوانی و جوانی عمر انسان اهمیت ویژه ای داده اند.

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَ شَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ خدا آن کسی است که شما را در ابتدا از جسم ضعیف (نطفه) بیافرید آن گاه پس از ضعف و ناتوانی (کودکی) توانا کرد و باز از توانایی (و قوای جوانی) به ضعف و سستی و پیری بر گردانید، که او هر چه بخواهد و مشیتش تعلق گیرد می آفریند، و او دانا و تواناست.

حضرت امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خویش می فرمایند:

بر تو باد توجه به تازه جوانان: زیرا آنان به هر کار خیر از دیگران پیش تازتند. (قال الصادق علیه السلام: عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ) (محمد بن یعقوب کلینی، ۱۴۰۷))
در بیانیه گام دوم که روی خطاب آن به جوانان و نوجوان است، به این مطلب اشاره شده است که حدود ۳۶ میلیون نفر از جمعیت کشور نوجوانان و جوانان بین ۱۵ تا ۴۰ ساله هستند و انبوهی از آنان دارای روحیه انقلابی و آماده تلاش جهادی هستند لکن دشمن با ابزارهای رسانه ای و تهاجم فرهنگی روز افزون خود در صدد تغییر سبک زندگی جوانان و نوجوانان کشور می باشد. برای تغییر سبک زندگی نوجوان، کافی است ملاکها، ارزش ها و شاخص های رشدی را در نگاه او تغییر داد که در اینصورت مسیر رشدی او به بیراهه

کشیده می شود.

این پژوهش درصدد است تا گامی هر چند کوچک اما مهم در زمینه احیای شاخص های قرآنی رشد در مقطع نوجوانی بردارد تا چشم اندازی برای والدین و مربیان این حوزه ترسیم شده و به تبع آن آموزش های مدیریت والدین و فرزندپروری به جای تکیه صرف بر واردات فرهنگی روانشناسی غرب، با اهداف و آرمانهای قرآنی منطبق شود.

موضوعاتی که در رشد جسمانی، اخلاقی، شناختی، عاطفی، اجتماعی و... به طور معمول، مورد بحث قرار می گیرد، مربوط به زندگی همین دنیاست؛ اما در رهیافت قرآنی، انسان موجودی دوساحتی و دارای خلقتی هدفمند و آخرت محور است به طوری که باورها و سبک زندگی او در روان شناسی او نیز اثر گذار می باشد. (کاوایانی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۶)

برای ورود به دریای بیکران قرآن لازم است ابتدا به بررسی واژگان عربی و قرآنی مربوط به نوجوان پرداخته و سپس رد پای آنها را در آیات مربوطه دنبال نمود. ثعالبی (۴۹۲ - ۳۵۰ ق، از ادیبان قرن چهارم و پنجم) در کتاب فقه اللغه، نامهای زیر را به ترتیب برای مراحل مختلف رشد انسان ذکر می کند:

عن أبي عمرو، عن أبي العباس ثعلب، عن ابن الأعرابي يُقَالُ لِلصَّبِيِّ إِذَا وُلِدَ: رَضِيعٌ، وَ طِفْلٌ؛ ثُمَّ فَطِيمٌ؛ ثُمَّ دَارِجٌ؛ ثُمَّ حَفِيزٌ؛ ثُمَّ يَافِعٌ؛ ثُمَّ شَرِيحٌ؛ ثُمَّ مُطَبِّحٌ، ثُمَّ كَوَكَبٌ. او در ادامه به نقل از علمای لغت تفصیل زیر را بیان می کند:

۱. پیش از تولد: جنین، ۲. پس از تولد: ولید، ۳. شیرخوارگی: رضیع، ۴. از شیر گرفته شده: فطیم، ۵. با دست و پا راه می رود: دارج، ۶. به پنج وجب رسیده: خماسی، ۷. دندان هایش افتاده: مثنغور، ۸. دندان هایش روییده: مثنغر، ۹. بالاتر از ده سالگی: مترعرع و ناشی، ۱۰. نزدیک احتلام یا رسیدن به این سن: یافع و مراهق، ۱۱. پس از احتلام و برومندی: حرور (و در همه این حالات به وی «غلام» گفته می شود)، ۱۲. سبزه های سبیلش روییده: قد بقل وجهه، ۱۳. هنگامی که چهره اش طراوت یافته: فتی و شارخ، ۱۴. به نهایت جوانی رسیده: مجتمع، ۱۵. مابین سی سالگی و چهل سالگی: شاب، ۱۶. از چهل ساله تا

شصت ساله: کهل (و گفته شده از ۳۴ ساله تا ۵۱ ساله، کهل است)، ۱۷. از این به بعد، شیخ.

واژه غلام در قرآن

واژه "غلام" به عقیده بعضی به هر کودکی قبل از رسیدن به سن جوانی گفته می شود و بعضی آن را به کودکی که از ده سال گذشته و هنوز به سن بلوغ نرسیده است اطلاق کرده اند. از تعبیرات مختلفی که در لغت عرب آمده می توان استفاده کرد که "غلام" حد فاصل میان "طفل" (کودک) و "شاب" (جوان) است که در زبان فارسی از آن تعبیر به "نوجوان" می کنیم. (تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۱۱)

راغب اصفهانی در مفردات الفاظ قرآن در ماده «غلم» چنین بیان می کند: «الْغُلَامُ الطَّارِ الشَّارِبُ. يُقَالُ: غُلَامٌ بَيْنَ الْغُلُومَةِ وَالْغُلُومِيَّةِ. (راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲، ص ۶۱۳) کودک و جوانی که صورتش، تازه موی و سیبیل برآورده. غلام بَيْنَ الْغُلُومَةِ وَالْغُلُومِيَّةِ: پسری که جوان بودن و موی برآمدن صورتش آشکار است.

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ * فَبَشِّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ^۱

ما او [ابراهیم] را به نوجوانی بردبار و صبور بشارت دادیم (ترجمه مکارم شیرازی)

به نظر می رسد در بسیاری از تعبیر قرآنی و تفسیری، مقطع سنی نوجوانی را تفکیک نمی کنند و معمولاً آن را ملحق به جوانی کرده و شاید هم گاهی ملحق به کودکی بنمایند. بنابراین در اکثر ترجمه ها بدون اینکه اشاره به مقطع رشدی حضرت اسماعیل ع داشته باشند، غلام را به پسر ترجمه کرده اند.

از تعبیرات مختلفی که در لغت عرب آمده می توان استفاده کرد که "غلام" حد فاصل میان "طفل" (کودک) و "شاب" (جوان) است که در زبان فارسی از آن تعبیر به "نوجوان" می کنیم. (تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۱۱)

ظاهر این است که این پسر، اسماعیل علیه السلام باشد و در تعبیرات مشابه دیگر (فبشروه بغلام علیم- ۲۸ ذاریات) گاهی منظور حضرت اسحاق علیه السلام است.

یعنی پس ما او را بشارت دادیم به اینکه به زودی فرزندی بردبار روزی او خواهیم کرد. و اگر آن فرزند را توصیف کرد به "غلام" با اینکه اسماعیل از حد جوانی هم گذشت، و به حد بزرگسالان رسید، برای این است که خواست اشاره کند به آن حالتی که در آن حالت صفت کمال و صفای ذات او و حلمش نمایان و شکفته می شود و آن حد جوانی است، و برای همین بود که گفت **يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ** (تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص: ۲۲۹)

واژه بُنِيّ در قرآن

در تفسیر قمی از امام باقر علیه السلام روایت آورده که فرمود: یوسف یازده برادر داشت، و تنها برادری که از یک مادر بودند شخصی به نام "بنیامین" بود. آن گاه فرمود: یوسف در سن نه سالگی این خواب را دید و برای پدرش نقل کرد، و پدر سفارش کرد که خواب خود را نقل نکند. مؤلف: و در بعضی روایات آمده که او در آن روز هفت ساله بوده، در تورات دارد که شانزده ساله بوده ولی بعید است. (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۱، ص ۱۱۵)

قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۵) یوسف

گفت: «فرزندم! خواب خود را برای برادرانت بازگو مکن، که برای تو نقشه (خطرناکی) می کشند؛ چرا که شیطان، دشمن آشکار انسان است.

آیه بعد مربوط به سن نوجوانی حضرت اسماعیل علیه السلام می باشد.

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ^۱

حرف "فا" در اول آیه فای فصیحه است که می فهماند چیزی در اینجا حذف شده و تقدیر کلام این است که: " فلما ولد له ونشا وبلغ معه السعی - همین که خدای تعالی پسری به او داد و آن پسر نشو و نمو کرد و به حد سعی و کوشش رسید". و منظور از رسیدن به حد سعی و کوشش رسیدن به آن حد از عمر است که آدمی عادتاً می تواند برای حوائج زندگی خود کوشش کند و این همان سن بلوغ است، و معنای آیه این است که: وقتی آن فرزند به حد بلوغ رسید، ابراهیم به او گفت ای پسر... (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۲۳۰)

به هر حال به گفته جمعی از مفسران، فرزندش در آن وقت ۱۳ ساله بود که ابراهیم خواب عجیب و شگفت انگیزی می بیند. (تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۱۱)

آیه بعد مربوط به نصایح حکیمانه لقمان به پسرش می باشد که بعضی از مفسرین او را در سن نوجوانی دانسته اند.

لقمان، ۱۳: وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ
با نوجوان باید با زبان موعظه سخن گفت، نه سرزنش. «وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ» (تفسیر نور، ج ۷، ص ۲۴۴)

ماده بَلَّغَ در قرآن

یکی دیگر از واژگان و تعابیر مورد استفاده در قرآن کریم در مورد مقطع رشدی نوجوانی، واژه بلوغ می باشد.

النساء: ۶ وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ

و یتیمان را بیازمایید تا وقتی به [سن] زناشویی برسند؛ پس اگر در ایشان رشد [فکری] یافتید، اموالشان را به آنان رد کنید... (ترجمه فولادوند)

کلمه: "ابتلا" که مصدر فعل امر "ابتلوا" است، به معنای امتحان است و مراد از بلوغ نکاح، رسیدن فرد سفیه به سنین اوان ازدواج است، پس در حقیقت تعبیر از "رسیدن نکاح" مجازی است عقلی، و فعل "آنستم" از مصدر "ایناس" گرفته شده و به معنای مشاهده‌ای

است که بویی از الفت در معنای آن نهفته باشد، چون ماده آن یعنی ثلاثی مجردش "انس" است. (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۲۷۵)

و کلمه: "رشد" به معنای پختگی و رسیده شدن میوه عقل است، بخلاف غی که معنای خلاف آن را دارد. (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۲۷۵)

و جمله "حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ... متعلق به جمله: " و ابتلوا... " است و معنایش این است که یتیم سفیه را بیازمائید و این معنا را می‌رساند که این آزمایش باید از زمان تمیز دادن هم چنان ادامه داشته باشد تا به سن ازدواج برسد، آن گاه اگر دیدید که رشد عقلی یافته، مالش را به دست خودش بدهید. پس این تعبیر تا حدی دلالت بر استمرار آزمایش دارد، و این را می‌رساند که کودک یتیم وقتی که می‌خواهد به حد تمیز و عقل برسد، یعنی به حدی برسد که بشود مورد آزمایشش قرار داد، او را مورد آزمایش قرار بدهید و این آزمایش تا حد ازدواج و حد مرد شدن ادامه داشته باشد. طبع مساله نیز این اقتضا را دارد، چرا که در يك آن و دو آن رشد کودک را نمی‌توان تشخیص داد. بلکه باید این آزمایش تکرار بشود تا ایناس یعنی مشاهده رشد در کودک حاصل گردد، چون کودک بعد از حد تمیز، کم کم به حد "رهاق" و سپس به حد "ازدواج" و آن گاه به حد "رشد" می‌رسد. (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۲۷۵)

واژه فتنی در قرآن

یکی دیگر از واژگانی که در مقطع نوجوانی، در قرآن کریم به کار رفته است، واژه «فتنی» می‌باشد؛

قَالُوا سَمِعْنَا فَتْنًا يَدْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ^۱

(گروهی) گفتند: «شنیدیم نوجوانی از (مخالفت با) بتها سخن می‌گفت که او را ابراهیم می‌گویند.» (ترجمه مکارم شیرازی)

ابراهیم طبق بعضی از روایات در آن موقع کاملاً جوان بود و احتمالاً سنش از ۱۶ سال تجاوز نمی کرد... (تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۳۶)

وَ قَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدْيَنَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۳۰) یوسف

زنان مصر در شهر شایع کردند و گفتند: زن عزیز مصر خاطر خواه غلام جوانش شده و عشق غلام او را سخت فریفته و ما او را در گمراهی آشکار می بینیم. (ترجمه کاویانپور)

۱. اهمیت دوران نوجوانی از نگاه قرآن

از بررسی آیات قرآن و اعمال مهم و چشمگیری که ابراهیم انجام داد و مورد تحسین خداوند قرار گرفت، چنین استفاده می شود که مقصود از "کلمات" (جمله هایی که خداوند ابراهیم را به آن آزمود) يك سلسله وظائف سنگین و مشکل بوده که خدا بر دوش ابراهیم گذارده بود، و این پیامبر مخلص همه آنها را به عالیترین وجه انجام داد... (تفسیر نمونه، ج ۱، ص: ۴۳۷)

وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ^۱

(به خاطر آورد) هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود و او به خوبی از عهده این آزمایش ها برآمد. خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم!» ابراهیم عرض کرد: «از دودمان من (نیز امامانی قرار بده) خداوند فرمود: «پیمان من، به ستمکاران نمی رسد!» (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقامند.»

مأموریت حضرت ابراهیم ع از دوران نوجوانی شروع شد و او با روحیه حق طلبی و شجاعت مأموریت خود را به خوبی انجام داد و در نتیجه انجام وظایف در نوجوانی و طی

کردن موفق امتحانات الهی، به درجات بالای قرب الهی (مقام امامت) نائل آمد. (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۲۲۸)

۲. افزایش ظرفیت وجودی در دوران نوجوانی

از توالی آیه ۵۰ و ۵۱ سوره مبارکه انبیاء چنین استنباط می شود که زمان اعطای رشد به حضرت ابراهیم علیه السلام همان زمانی بود که با عمویش آزر (آبیه) بر سر توحید و ترک بت پرستی مجادله کرد و آن ظرفیت را از خود نشان داد.

وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ * إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ^۱

مجادله ابراهیم با قومش، طبق روایات و گزارش های تاریخی بر می گردد به زمان نوجوانی حضرت ابراهیم علیه السلام. علامه طباطبایی ره در این زمینه می فرماید:

«از سیاق این آیات و آیات دیگری که مناظرات ابراهیم علیه السلام را با پدر و قومش در باره توحید حکایت می کند برمی آید که وی قبل از آن ایام، دور از محیط پدر و قومش زندگی می کرده، و لذا به آنچه که مردم از جزئیات و خصوصیات موجودات و همچنین از سنن و آداب معموله با خبر بودند، او با خبر نبوده، و در اوایل رشد و تمیزش از آن جا و مکانی که داشته، بیرون آمده و به پدر خود پیوسته است، و در آن موقع بوده که برای اولین بار چشمش به بت ها می افتد و از پدرش می پرسد که این چیست؟ (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۲۲۸)

مقصود از "رشد" معنایی است که در مقابل "غی" و گمراهی قرار دارد، و آن رسیدن به واقع است، و در ابراهیم اهتدای فطری و تام و تمام او به توحید و به سایر معارف حقه است، و اضافه رشد به ضمیری که به ابراهیم بر می گردد، اختصاص رشد را به وی می رساند و می فهماند که ابراهیم خود لایق چنان رشدی بود، مؤید این معنا جمله "و كُنَّا بِهِ عَالِمِينَ - ما

هم او را می‌شناختیم" است، و این کنایه است از علم به خصوصیات حال او، و مقدار استعدادش. و معنای آیه این است که سوگند می‌خورم که ما به ابراهیم دادیم آنچه را که وی مستعد و لایق آن بود، و آن عبارت بود از رشد، و رسیدنش به واقع، و ما او را از پیش می‌شناختیم. و همانطور که گذشت مراد از آنچه خدای سبحان به ابراهیم داد، همان دین توحید و سایر معارف حقه است که ابراهیم علیه السلام بدون تعلم از معلمی، و یا تذکر مذکری، و یا تلقین ملقنی، با صفای فطرت و نور بصیرت خود درك کرد. (ترجمه تفسیر المیزان ج ۱۴ ۴۱۸)

۳. ظرفیت های درونی متفاوت نوجوانان

حضرت ابراهیم خود آمادگی پذیرش رشد را داشت. «رُشِدَهُ» و نفرمود: «رشد!».
(استعدادها و ظرفیت‌های وجودی انسان‌ها برای رشد متفاوت است) (تفسیر نور، ج ۵، ص ۴۶۱)

معنای آیه این است که سوگند می‌خورم که ما به ابراهیم دادیم آنچه را که وی مستعد و لایق آن بود، و آن عبارت بود از رشد، و رسیدنش به واقع، و ما او را از پیش می‌شناختیم. و همانطور که گذشت مراد از آنچه خدای سبحان به ابراهیم داد، همان دین توحید و سایر معارف حقه است که ابراهیم علیه السلام بدون تعلم از معلمی، و یا تذکر مذکری، و یا تلقین ملقنی، با صفای فطرت و نور بصیرت خود درك کرد. (ترجمه تفسیر المیزان ج ۱۴ ۴۱۸)

۴. شاخص های رشد یافتگی نوجوان از منظر قرآن کریم

پس از استخراج بیش از ۱۰۰ کد از آیات قرآن کریم در مورد مقطع رشدی نوجوان، کدهای استخراج شده در قالب یازده عنوان کلی دسته بندی گردید. که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

یک) شاخص های رشد معنوی

این شاخص ها تأمین کننده معنویت در مقطع رشدی نوجوان می باشند.

اولین شاخص معنوی «عشق به خداوند» است که در آیات ۷۸ تا ۸۲ سوره مبارکه شعرا از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام به آن اشاره شده است. سیاق آیات به گفتگوی ابراهیم علیه السلام با قومش برمی گردد که مربوط به نوجوانی حضرت ابراهیم علیه السلام می باشد.

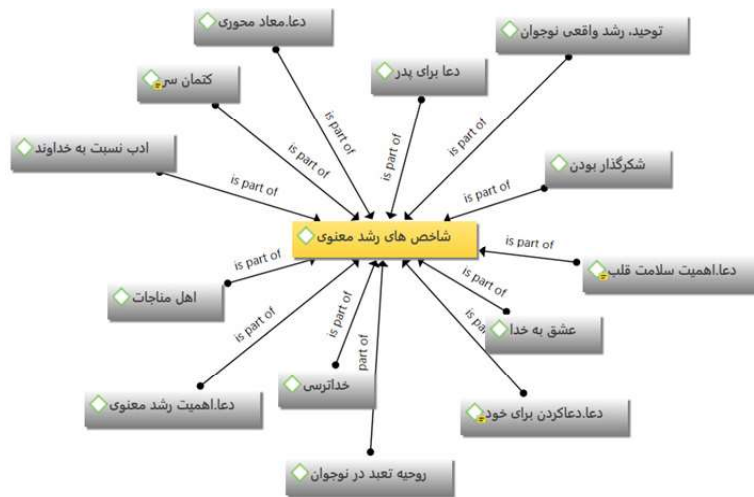
الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ (۷۸) وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ (۷۹) وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ (۸۰) وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ (۸۱) وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ (۸۲)

همچنین از این آیات «شکرگذار بودن» و «روحیه توحیدی» ایشان نیز مشخص است. از گفتگوی ابراهیم ع با آزر این پیام قابل دریافت است که رشد واقعی که در آیه ۵۱ و ۵۲ سوره انبیاء به آن اشاره شده است در «روحیه توحیدی» نوجوان نهفته است:

وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ (۵۱) إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ (۵۲)

در سایه نگاه توحیدی، «داشتن روحیه تعبد در نوجوان» از آیه ۱۰۲ سوره مبارکه صافات به خوبی استفاده می شود:

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ (۱۰۲) صافات



دو شاخص های رشد شناختی و تحصیلی

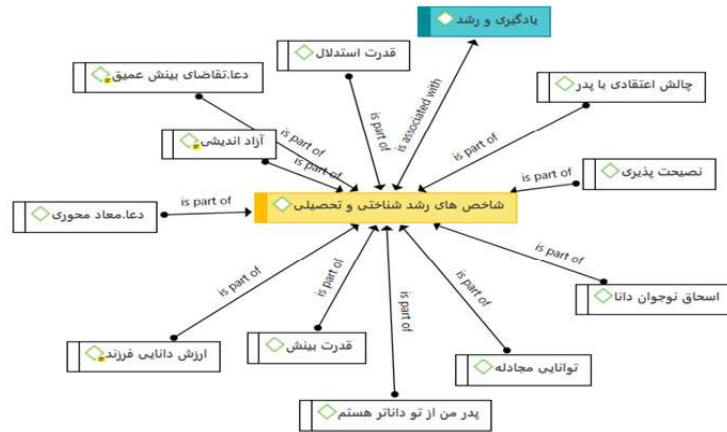
موضوعاتی که در رشد جسمانی، اخلاقی، شناختی، عاطفی، اجتماعی و... به طور معمول، مورد بحث قرار می گیرد، مربوط به زندگی همین دنیاست؛ اما در رهیافت قرآنی، انسان موجودی دوساحتی و دارای خلقتی هدفمند و آخرت محور است به طوری که باورها و سبک زندگی او در روان شناسی او نیز اثر گذار می باشد. (کاویانی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۶)

در سیاق آیات ۲۴ تا ۲۸ سوره ذاریات که مربوط به ورود رسولان الهی بر حضرت ابراهیم علیه السلام می باشد، بشارت تولد فرزندی دانا، بزرگ شمرده شده است: **وَبَشِّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ** (۲۸) ذاریات. این بشارت حاکی از «ارزش دانایی فرزند می باشد».

این شاخص ها در زمینه یادگیری و رشد شناختی و اعتقادی، مسیر فکری نوجوان را در این مقطع رشدی ترسیم می کند.

از دعای حضرت ابراهیم علیه السلام در آیات ۸۸، ۸۷ و ۸۹ سوره شعراء اهمیت بحث «معاد محوری» مشخص می شود. سیاق آیات قبل (۶۹ تا ۸۶ سوره شعراء) نشان می دهد که این

دعا در سنین نوجوانی برای حضرت ابراهیم علیه السلام به صورت یک مسأله مهم مطرح بوده است:
 وَلَا تَحْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ (۸۷) يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ (۸۸) إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ
 (۸۹) شعراء



همچنین دعای حضرت در آیه ۸۳ در مورد «تقاضای بینش عمیق» حاکی از اهمیت رشد شناختی می باشد: رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا... (۸۳ شعراء)
 شاخص «آزاد اندیشی» را از مواجهه حضرت ابراهیم با آزر و قومش به روشنی دریافت کرد:

الأنعام: ۷۴ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ آزرَ أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً إِنِّي أراكَ وَ قَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

ترجمه: (به خاطر بیاورید) هنگامی را که ابراهیم به پدرش [عمویش] «آزر» گفت: «آیا بتهایی را معبودان خود انتخاب می کنی؟! من، تو و قوم تو را در گمراهی آشکاری می بینم. با اینکه بت پرستی و شرک در فضای اجتماعی آن دوره غالب بوده است، ولی ابراهیم علیه السلام تحت تأثیر جو حاکم قرار نداشت و آزاد اندیشانه حرف حق را می زد.

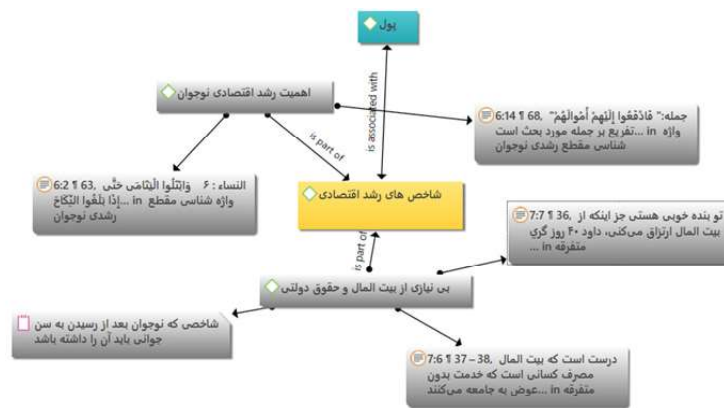
سه) شاخص های رشد اقتصادی

یکی از احکامی فقهی نوجوان، به دست آوردن اختیار اموالشان می باشد، مشروط بر اینکه به حد کافی به «رشد فکر اقتصادی» رسیده باشند. وَ ابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا الْبِرَّ فَإِنْ أُنْتُمْ مِنْهُمْ رُشِدًا فَأَدِفُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَ بِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا وَ مَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَ مَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا. و یتیمان را بیازمایید تا وقتی به [سن] زناشویی برسند؛ پس اگر در ایشان رشد [فکری] یافتید، اموالشان را به آنان رد کنید، و آن را [از بیم آنکه مبادا] بزرگ شوند، به اسراف و شتاب مخورید. و آن کس که توانگر است باید [از گرفتن اجرت سرپرستی] خودداری ورزد؛ و هر کس تهیدست است باید مطابق عرف [از آن] بخورد؛ پس هر گاه اموالشان را به آنان رد کردید بر ایشان گواه بگیرید، خداوند حسابرسی را کافی است.

از آیات مربوط به حضرت داوود علیه السلام می توان برداشت کرد که از نگاه قرآن کریم «بی نیازی از بیت المال و حقوق دولتی» امری ممدوح می باشد؛

در حدیثی آمده است که خداوند به داود وحی فرستاد: نعم العبد انت الا انک تاکل من بیت المال فبکی داود اربعین صباحا فالان الله له الحدید و کان یعمل کل یوم درعا... فاستغنی عن بیت المال:

"تو بنده خوبی هستی جز اینکه از بیت المال ارتزاق می کنی، داود ۴۰ روز گریه کرد (و از خدا راه حلی خواست) خداوند آهن را برای او نرم کرد، زرهی می ساخت... و به این وسیله از بیت المال بی نیاز شد.



درست است که بیت المال مصرف کسانی است که خدمت بدون عوض به جامعه می‌کنند، و بارهای زمین مانده مهم را بر می‌دارند، ولی چه بهتر که انسان بتواند هم این خدمت را بکند و هم از کد یمین - در

صورت توانایی - امرار معاش نماید، و داود می‌خواست چنین بنده ممتازی باشد.

به هر حال داود از این توانایی که خدا به او داده بود در بهترین طریق یعنی ساختن وسیله جهاد، آن هم وسیله حفاظت در برابر دشمن، استفاده می‌کرد، و هرگز از آن در وسائل عادی زندگی بهره‌گیری ننمود، و تازه از در آمد آن - طبق بعضی از روایات - علاوه بر اینکه زندگی ساده خود را اداره می‌کرد چیزی هم به نیازمندان انفاق می‌نمود علاوه بر همه اینها فایده دیگر این کار آن بود که معجزه‌ای گویا برای او محسوب می‌شد. (تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۰)

چهار) شاخص های رشد شغلی و حرفه ای

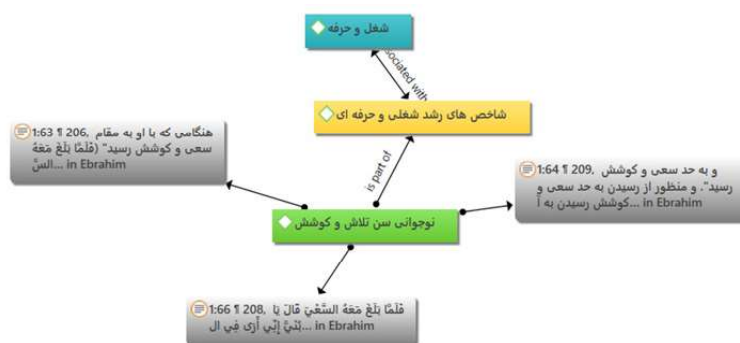
در آیه ۱۰۲ سوره صافات نوجوانی «سن تلاش و کوشش» معرفی شده است و این مسأله

اهمیت رشد شغلی و حرفه ای را نشان می‌دهد.

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ

أَفْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ^۱

منظور از رسیدن به حد سعی و کوشش رسیدن به آن حد از عمر است که آدمی عادتاً می‌تواند برای حوائج زندگی خود کوشش کند و این همان سن بلوغ است، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۲۳۰



هنگامی که با او به مقام سعی و کوشش رسید" (فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ). یعنی به مرحله‌ای رسید که می‌توانست در مسائل مختلف زندگی همراه پدر تلاش و کوشش کند و او را یاری دهد (تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۱۲)

پنج) شاخص های رشد خانوادگی

هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود. و او به خوبی از عهده این آزمایش‌ها برآمد. خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم». ابراهیم عرض کرد «از دودمان من (نیز امامانی قرار بده)» خداوند فرمود: «پیمان من، به ستمکاران نمی‌رسد! (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقامند).»^۲ این آیه نشان دهنده اهمیت و جایگاه خانواده و اولاد، در نگاه قرآنی می‌باشد.

۱. صافات ۱۰۲.

۲. بقره ۱۲۴.

در آیه ۱۰۲ سوره صافات «اهمیت مشورت خواهی از نوجوان» به خوبی قابل استفاده است:

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا آبَتِ
أَفْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ (۱۰۲) صافات

"فَانظُرْ مَاذَا تَرَى" - کلمه "تری" در این جا به معنای "می بینی" نیست بلکه از ماده "رأی" به معنای اعتقاد است، یعنی چه نظر می دهی، می خواسته بفرماید: تو در باره سر نوشت خودت فکر کن و تصمیم بگیر و تکلیف مرا روشن ساز. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۲۳۰

از آنجا که هر نصیحت کردنی مستلزم وجود نصیحت شونده ای شنوا می باشد، می تواند نتیجه گرفت که یکی از شاخص های مربوط به خانواده و والدین، «نصیحت پذیری نوجوان» می باشد.

شش) شاخص های رشد ارتباطی

در این قسمت به بررسی آیاتی که مربوط به دوست یابی و نوع تعامل نوجوان با گروه دوستانش می باشد، اشاره می شود. از دعای حضرت ابراهیم علیه السلام در آیه ۸۳ سوره شعراء اهمیت «ارتباط با دوست سالم» استفاده می شود: «رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ أَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ». از آنجایی که سیاق آیات قبلی، به گفتگوی ابراهیم علیه السلام با قومش برمی گردد که مربوط به نوجوانی حضرت ابراهیم علیه السلام می باشد، می توان دریافت که درخواست حضرت ابراهیم علیه السلام از خدای متعال در مورد همنشینی با افراد خوب و صالح نیز، در زمانی بوده که ایشان در مقطع نوجوانی بوده است.

این دعا نشان می دهد که حتی اگر حکمت باشد، ولی دوستان انسان نااهل باشند، حکمت کارایی ندارد. (قرائتی، محسن، ۱۳۸۸، ۳۳۱/۶)

یکی دیگر از مهارت هایی که نوجوان در تعامل با دیگران مخصوصا فامیل و دوستان به آن نیاز دارد مهارت جرأت مندی و قاطعیت در گفتار می باشد. آن هنگام که به پدرش (آزر)

و قوم او گفت: این مجسمه های بی روح چیست که شما همواره آنها را پرستش می کنید؟» (إِذْ قَالَ لِأَيُّبِهِ وَ قَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ^۱). تعبیر «لایبیه» (پدرش) اشاره به عمویش آزر است زیرا عرب گاه به عمو «اب» می گوید. (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۲، ۱۷۴/۳) سپس با قاطعیت موضع خود را در مقابل آنها روشن می کند و می گوید: «وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَيُّبِهِ وَ قَوْمِهِ إِنِّي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ. إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ^۲» من از آنچه شما می پرستید بیزارم. مگر آن کسی که مرا آفریده، که او هدایتم خواهد کرد.

حضرت ابراهیم علیه السلام رسماً اعلام کرد که من بتهای شما را دشمن می دانم و به زودی آنها را نابود خواهم کرد. او خیلی زود در یک اقدام شجاعانه نقشه الهی خویش را عملی کرد. وَ تَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ. فَجَعَلَهُمْ جُدَاذًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ^۳ این داستان نشان می دهد که جرأت‌مندی و قاطعیت در مسیر انتخاب های صحیح نوجوان، نباید صرفاً به گفتار او محدود شود بلکه باید در رفتار عملی و اعتقادی او نیز تجلی پیدا کند.

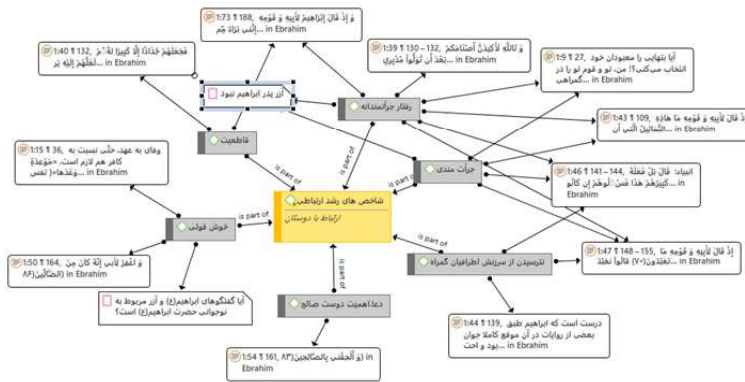
شاخصه دیگر در ارتباط نوجوان با دیگران «نترسیدن از سرزنش اطرافیان گمراه» است. نوجوان رشد یافته ای که هویت خویش را یافته است، در مسیر حق و درستی، نباید با کسی تعارف داشته باشد. درست است که ابراهیم طبق بعضی از روایات در آن موقع کاملاً جوان بود و احتمالاً سنش از ۱۶ سال تجاوز نمی کرد، و درست است که تمام ویژگیهای " جوانمردان"، " شجاعت" و " شهامت" و " صراحت" و " قاطعیت" در وجودش جمع بود، ولی مسلماً منظور بت پرستان از این تعبیر چیزی جز تحقیر او نبوده بگویند " ابراهیم" این کار را کرده، گفتند جوانی که به او ابراهیم می گفتند چنین می گفت... یعنی فردی کاملاً گمنام و از

۱. انبیاء ۵۲

۲. زخرف، ۲۶ و ۲۷

۳. انبیاء، ۵۷ و ۵۸

نظر آنان بی شخصیت. قَالُوا سَمِعْنَا فَتَىٰ يَدُكُرُّهُمُ يُقَالُ لَهُ اِبْرَاهِيمُ^۱ (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۲، ۱۳/۴۳۷)



بایسته ارتباطی دیگر، خوش قولی است. وفای به عهد تأثیر بسیار زیادی در غنای ارتباطی نوجوان با دیگران خواهد داشت. داشتن روحیه خوش قولی تا جایی اهمیت دارد که حضرت ابراهیم علیه السلام حتی نسبت به عموی کافر خود نیز به قول و قرار خویش پایبند می ماند. «استغفار ابراهیم برای پدرش [عمویش آزر]، فقط بخاطر وعده‌ای بود که به او داده بود (تا وی را بسوی ایمان جذب کند)؛ اما هنگامی که برای او روشن شد که وی دشمن خداست، از او بی‌زاری جست؛ به یقین، ابراهیم مهربان و بردبار بود!»

(وَ مَا كَانَ اسْتِغْفَارُ اِبْرَاهِيمَ لِابْنِهِ اِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا اِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ اَنَّهُ عَدُوٌّ لِلّٰهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ اِنَّ اِبْرَاهِيمَ لَآوَاهٌ حَلِيمٌ^۲)

هفت) شاخص های رشد اجتماعی

رشد اجتماعی را در ارتباط با محیطی که انسان در آن زندگی می کند در نظر می گیریم. معمولاً انسان تا حدود زیادی در انتخاب و چینش محیط خویش، مختار است. یک نوجوان

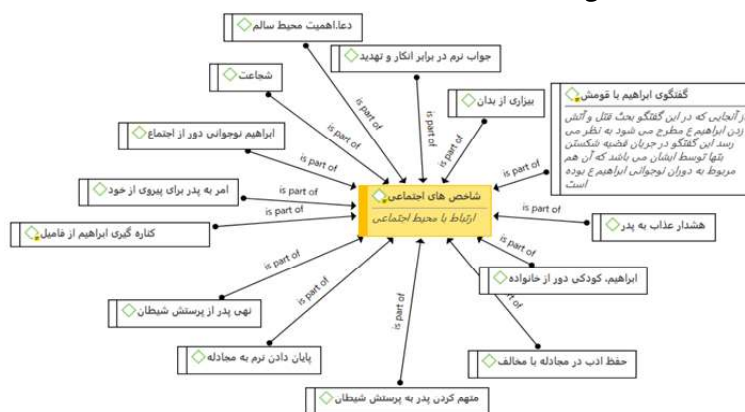
۱. انبیاء، ۶۰

۲. توبه، ۱۱۴

رشد یافته اهمیت زیادی برای طراحی محیط اجتماعی اطراف خود قائل است. ابراهیم نبی ﷺ در دعاهای خویش در سن نوجوانی، از خداوند می خواهد او را در جامعه ای صالح و در مجاورت افرادی نیکوکار قرار دهد. ایشان از خداوند می خواهد: «پروردگارا! به من علم و دانش ببخش، و مرا به صالحان ملحق کن! رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ أَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ» این دعا بیانگر «اهمیت محیط اجتماعی سالم» است.

ابراهیم ﷺ در ابتدای زندگی از ترس نمرود در پنهانی بسر می برده، و پس از سرآمدن این دوره از زندگی خود را آشکار ساخت. (فعال عراقی، حسین، ۱۳۸۳، ج ۱) او در مواجهه با فضای بت پرستی حاکم در آن محیط به شدت موضع گرفت و با جدیتی فراوان تلاش کرد تا با اصلاحات فکری و اجتماعی، محیط زندگی خود را از لوث کفر و بت پرستی پاک گرداند.

(طباطبائی، محمد حسین، ۱۴۰۲، ۲۲۲/۷)



او در مواجهه با آن محیط ابتدا تلاش کرد با منطق و استدلال آنها را نسبت به عملکرد اشتباه خود آگاه سازد.

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ^۲. إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَا

۱. شعراء، ۸۳

۲. انبیاء، ۵۲

تَعْبُدُونَ. قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظَلُّ لَهَا عَکْفِینَ. قَالَ هَلْ یَسْمَعُونَکُمْ إِذْ تَدْعُونَ. أَوْ یَنفَعُونَکُمْ أَوْ یَضُرُّونَ^۱ هنگامی که به پدر و قومش گفت: «چه چیز را می‌پرستید؟!» گفتند: «بت‌هایی را می‌پرستیم، و همه روز ملازم عبادت آنهایم.» گفت: «آیا هنگامی که آنها را می‌خوانید صدای شما را می‌شنوند؟! یا سود و زیانی به شما می‌رسانند?!»

لکن وقتی دید آنها در برابر احتجاجات منطقی و قاطعانه او تسلیم نمی‌شوند، با «شجاعتی بی نظیر»، تلاش کرد که عوامل فساد و بت پرستی را از آن جامعه پاک کرده و به صورت عملی به آنها نشان دهد که کاری از دست این معبودان پوشالی ساخته نیست. وَ تَاللّٰهِ لَآکِیْدَنَّ أَصْنَامَکُمْ بَعْدَ أَنْ تُؤَلُّوْا مُدْبِرِیْنَ. ابراهیم علیه السلام به آنها گفت: «به خدا سوگند، در غیاب شما، نقشه‌ای برای نابودی بت‌هایتان می‌کشم! فَجَعَلَهُمْ جُدَادًا اِلَّا کَبِیْرًا لَّهُمْ لَعَلَّهُمْ اِلَیْهِ یَرْجِعُوْنَ. سرانجام (با استفاده از یک فرصت مناسب)، همه آنها - جز بت بزرگشان - را قطعه قطعه کرد؛ شاید سراغ او بیایند (و او حقایق را بازگو کند)!^۲

اقدام دیگر ابراهیم علیه السلام تصمیم به کناره‌گیری و «دوری از محیط آلوده» بود. «وَ اَعْتَزَلْتُکُمْ وَ مَا تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَ اَدْعُوْا رَبِّیْ عَسٰی اَلَّا اَکُوْنَ بِدُعَاۗءِ رَبِّیْ شَقِیْبًا. و از شما، و آنچه غیر خدا می‌خوانید، کناره‌گیری می‌کنم؛ و پروردگارم را می‌خوانم؛ و امیدوارم در خواندن پروردگارم بی‌پاسخ نمانم!^۳»

هشت) شاخص‌های رشد سیاسی

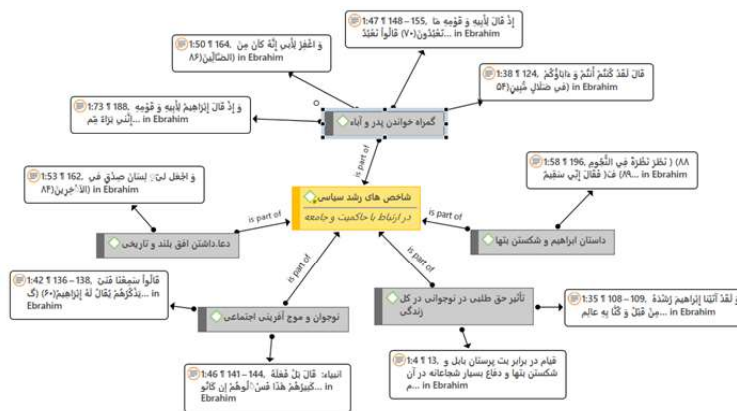
مراد از رشد سیاسی در اینجا، رشد نگاه و بصیرت نوجوان نسبت به رابطه حاکمیت و جامعه است. حق حاکمیت، صرفاً در اختیار خداوند متعال می‌باشد و هر گونه معبود و حاکمی غیر از او و اولیاء او، سزاوار هدایت‌گری جامعه نیستند. در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام می‌بینیم که او با صراحت تمام از حزب بت پرست حاکم در جامعه آن روز

۱. شعراء، ۷۰ تا ۷۳

۲. انبیاء، آیه ۵۷ تا ۶۸

۳. مریم، ۴۸

بیزاری و برائت جسته و در این مورد هیچ گونه ملاحظه سیاسی نشان نمی دهد تا جایی که حتی آزر عمومی خود را نیز در زمره گمراهان و تابعان شیطان می شمارد. می گوید: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ. إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ»^۱ من از آنچه شما می پرستید بیزارم. مگر آن کسی که مرا آفریده، که او هدایتم خواهد کرد. در نمودار زیر آیات مربوطه به رشد سیاسی به تصویر کشیده شده است:



داشتن روحیه حق طلبی تأثیر مهمی در کل زندگی انسان برجای خواهد گذاشت. همانطور که در داستان ابراهیم علیه السلام مشاهده می کنیم حق طلبی و روحیه انقلابی او در دوران نوجوانی، نقش تعیین کننده ای در روند رشدی او برجای گذارده است. خدای متعال می فرماید: «ما وسیله رشد ابراهیم را از قبل به او دادیم؛ و از (شایستگی) او آگاه بودیم. آن هنگام که به پدرش (آزر) و قوم او گفت: «این مجسمه های بی روح چیست که شما همواره آنها را پرستش می کنید؟!» وَ لَقَدْ ءَاتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَ كُنَّا بِهِ عَلِيمِينَ. إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ^۲

۱. زخرف، ۲۶ و ۲۷

۲. انبیاء، ۵۱ و ۵۲

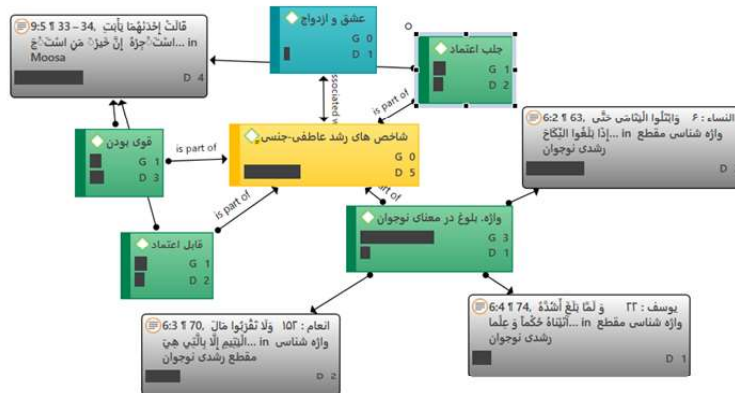
نه) شاخص های رشد عاطفی و جنسی

رشد عاطفی و جنسی مربوط به مقوله عشق و ازدواج می باشد. قرآن کریم از تعبیر «بلوغ نکاح» برای رسیدن نوجوان به سرحد توانایی جنسی ازدواج استفاده کرده است. وَ ابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ. و یتیمان را چون به حد بلوغ برسند، بیازمایید! اگر در آنها رشد (کافی) یافتید، اموالشان را به آنها بدهید!

قرآن کریم به زمانی اشاره می کند که موسی علیه السلام، برای نجات یک فرد مظلوم، یکی از قبطیان مصر را می کشد و در حال فرار به سمت مدین به محلی می رسد و در آنجا با دختران جناب شعیب آشنا می شود. موسی در آن زمان در سن و سال بلوغ و ازدواج بوده است. (فعال عراقی، حسین، ۱۳۸۳، ج ۲) در این حکایت چهره یک زن پاکدامن، عفیف، متین و باشرم و حیا با در هاله ای تقدس به نمایش می گذارد: نمونه ای زیبا و جالب از برخورد دو جنس مخالف بدون در هم شکستن حریم حیا؛ داستانی که بر اساس یک ساختار هندسی طرح ریزی شده که از این طریق می خواهد اندیشه ها و پیامهای خود را مطرح سازد تا نمونه و الگویی باشد در برخوردهای اجتماعی زن و مرد در تمام جوامع بشری و در همه عصرها و نسلها. (همان)

دختران شعیب به عنوانی دخترانی نوجوان که به صورت غیر مستقیم در قرآن مورد مدح قرار گرفته اند، در عین حفظ حیا و عفت، در هنگام لزوم حضور اجتماعی خود را نیز حفظ نموده اند و در عین حال زیرکی خاصی را برای جذب، پسری «قوی» و «امین» چون موسی علیه السلام به کار می گیرند.

در اینجا رفتار و گفتار جناب شعیب علیه السلام نیز شاخص هایی را برای هدایت مسأله جنسی به دست می دهد. اول اینکه او مسأله «ازدواج آسان» را به نیکویی به اجرا در می آورد، دوم اینکه به اهمیت ارتباط «ازدواج و اشتغال» به خوبی اشاره می کند.



بنابراین آنچه باعث تمام این خیرات برای موسی علیه السلام شد، مسأله «قابل اعتماد» بودن و «قوی بودن» او بود. قوی بودن به معنای آمادگی جسمی، مهارتی و ایمانی برای کشیدن بار مسئولیت یک زندگی. قرآن کریم از زبان دختر شعیب علیه السلام می فرماید: **قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ**^۱. ای پدر! این جوان را استخدام کن، چرا که بهترین کسی که می توانی استخدام کنی آن فرد است که قوی و امین باشد» او هم امتحان نیرومندی خود را داده هم پاکی و درستکاری را. (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۲، ۳ / ۴۵۸)

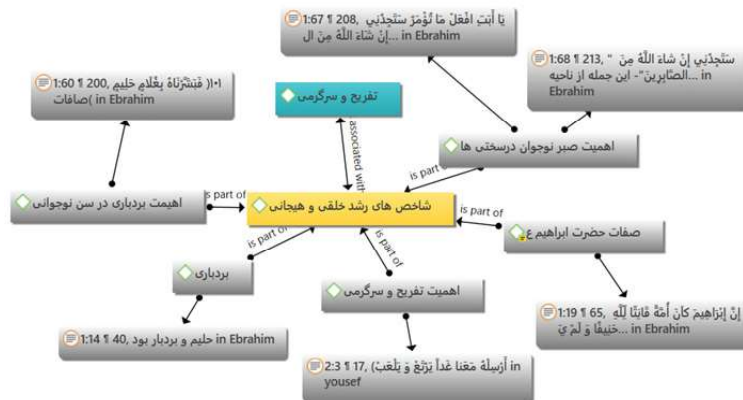
ده) شاخص های رشد خلقی و هیجانی

آنچه از رشد خلقی و هیجانی در این نوشتار مورد نظر می باشد، اموری است در مقوله تفریح و سرگرمی و پرداختن به هیجانان سالم، که موجب نشاط و انگیزش و بالا رفتن خلق می شود و ضمن ارتقاء حسن خلق، از افسردگی و پرخاشگری در نوجوان جلوگیری کرده و نیاز هیجان خواهی او را تأمین می نماید.

حسن خلق و روحیه با نشاط با صفت خودکنترلی و صبر در تعامل است. یکی از شاخص های خلقی که نوجوان باید به نصاب آن برسد، «خودکنترلی و صبر» است. خداوند

متعال از زبان حضرت اسماعیل علیه السلام به این شاخص اشاره می کند. فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ^۱. هنگامی که اسماعیل علیه السلام با او (پدرش) به مقام سعی و کوشش رسید، پدر گفت: «پسرم! من در خواب دیدم که تو را ذبح می کنم، نظر تو چیست؟» گفت «پدرم! هر چه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت!»^۲. به گفته جمعی از مفسران، اسماعیل در آن زمان نوجوانی سیزده ساله بود. (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۲، ۱۹،

(۱۱۱ /



شاخص دیگر در زمینه رشد خلقی و هیجانی نوجوان، پرداختن به «تفریحات و سرگرمی های سالم» می باشد. این مقوله همان بهانه ای بود که برادران کج فکر و خطاکار حضرت یوسف علیه السلام از آن برای راضی کردن پدرشان، حضرت یعقوب علیه السلام از آن استفاده کردند. چرا که می دانستند پدرشان تفریح و سرگرمی را لازم و مفید می شمارد. آنها به پدر گفتند: قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ. أَرْسَلْنَا مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَ إِنَّا لَهُ لَحَفِظُونَ^۲. گفتند: «ای پدر، تو را چه شده است که ما را بر یوسف امین نمی دانی در حالی

۱. صفات، ۱۰۲.

۲. یوسف ۱۱ و ۱۳.

که ما خیرخواه او هستیم؟ فردا او را با ما بفرست تا [در چمن] بگردد و بازی کند، و ما به خوبی نگهبان او خواهیم بود.»

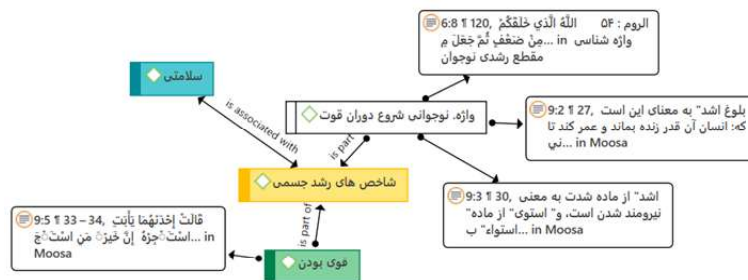
یازده) شاخص های رشد جسمی

این شاخص مربوط به توجه به سلامت جسمی نوجوان می باشد. قرآن کریم «سلامت و قوت جسمی» را امری ممدوح شمرده و آن را به عنوان امتیازی مهم برای اشتغال و ازدواج جوانان برشمرده است. قرآن کریم این نکته را از کلام دختر شعیب علیها السلام مطرح نموده و در پی آن جناب شعیب علیه السلام پیشنهاد ازدواج و اشتغال را برای حضرت موسی علیه السلام مطرح کرده اند که این امر نشان از اهمیت سلامت و قوت جسمی دارد.

قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ. قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَنِي حَبْحَبًا. یکی از آن دو (دختر) گفت: «پدرم! او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی را که می توانی استخدام کنی آن کسی است که قوی و امین باشد (و او همین مرد است)!» (شعیب) گفت: «من می خواهم یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم به این شرط که هشت سال برای من کار کنی....»

در سوره مبارکه روم خداوند متعال به مراحل سه گانه قوت و ضعف انسان اشاره می

فرماید:



«اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَ شَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ». خدا آن کسی است که شما را در ابتدا از جسم ضعیف (نطفه) بیافرید آن گاه پس از ضعف و ناتوانی (کودکی) توانا کرد و باز از توانایی (و قوای جوانی) به ضعف و سستی و پیری بر گردانید، که او هر چه بخواهد و مشیتش تعلق گیرد می‌آفریند، و او دانا و تواناست»

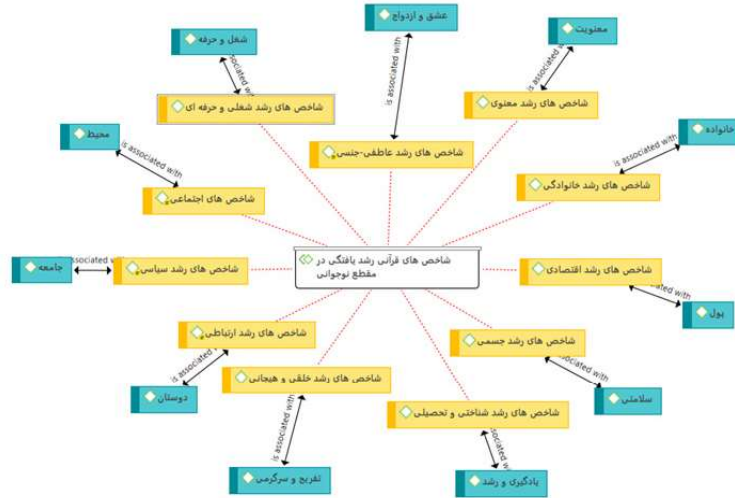
دوران نوجوانی ابتدای مرحله میانی یعنی دوران قوت است. پس می‌توان یکی از ویژگی‌های بایسته برای نوجوان را حفظ و محافظت سلامت و قوت دانست تا بتواند با بکارگیری نیروی جوانی از دوران میانی عمر خود که مرحله بهره برداری و توشه گیری از عمر است، جهت رشد متعالی بهره مند شود.

جمع بندی و نتیجه گیری

با بررسی آیات کریمه قرآن در مورد داستان پیامبران بزرگ الهی و مراحل مختلف رشدی انسان، می‌توان به یازده شاخص کلی برای رشد در دوران نوجوانی دست پیدا کرد که هر کدام به نوبه خود به زیر مجموعه‌هایی تقسیم می‌شود. این یازده شاخص عبارتند از: شاخص‌های رشد معنوی، شاخص‌های رشد شناختی و تحصیلی، شاخص‌های رشد اقتصادی، شاخص‌های رشد شغلی و حرفه‌ای، شاخص‌های رشد خانوادگی، شاخص‌های رشد ارتباطی، شاخص‌های رشد اجتماعی، شاخص‌های رشد سیاسی، شاخص‌های رشد عاطفی - جنسی، شاخص‌های رشد خلقی و هیجانی، شاخص‌های رشد جسمی.

در صورتی که این شاخص‌ها، به مثابه یک میزان قرآنی و در عین حال قابل اندازه‌گیری، ملاک و مبنای جهت‌گیری رشدی نوجوان و اولیای تربیتی او قرار بگیرد، می‌تواند تا حدود زیادی مسأله سبک زندگی را که در بیانیه گام دوم مورد تأکید قرار گرفته است،

پوشش داده و کمک شایانی به تدوین یک سبک زندگی اسلامی و قرآنی بنماید.



منابع

- قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ق.
- نهج البلاغه، ترجمه سیدعلی نقی فیض الاسلام، بی چا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
- خسروی حسینی، غلامرضا، ۱۳۶۹، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، مرتضوی، ایران، تهران
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ه.ق، مفردات الفاظ قرآن، دار الشامیه، لبنان، بیروت
- طباطبایی، محمد حسین، ۱۴۰۲ه.ق، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، لبنان
- فعال عراقی، حسین، ۱۳۸۳، داستانهای قرآن و تاریخ انبیاء در المیزان، ج ۱ و ۲، نشر سبحان، تهران
- قرائتی، محسن، ۱۳۸۸ ه.ش، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس های قرآن، ایران، تهران
- کاوینی، محمد، ۱۳۹۹، روان شناسی در قرآن مفاهیم و آموزه ها، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ایران، قم
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱ ه.ش، تفسیر نمونه، جمعی از نویسندگان، دارالکتب الإسلامیة، ایران، تهران

بیانیه گام دوم و پزشکی
